

روش های تربیتی (جامعه پذیری) پدران در خانواده های ایرانی از نگاه جوانان

اسداله نقدی^۱، علی روشنایی^۲

چکیده

شناخت تربیت، الگوها و روش های آن یکی از حوزه های مهم شناخت فرهنگ یک جامعه می باشد. الگوهای تربیتی در ساختن افراد کارآمد و یا برعکس منفعل و ناکارآمد سهم مهمی ایفا کند. یکی از دغدغه های اصلی بشر برای همیشه تاریخ انتقال میراث و معارف بشری از نسل های گذشته به آیندگان بوده است و این از عمده دلایل انباشت دست آورد های مادی و معنوی بشر محسوب می شود. اهمیت تربیت و فرهنگ پذیری در جهان امروز بسیار حیاتی است و شناخت الگوها و روش های تربیتی به برنامه ریزی اصولی تر کمک می کند. جامعه ایران در حال تجربه کردن دوران جدیدی از مناسبات اجتماعی است و الگوهای تربیتی نیز در حال تحول اساسی می باشد. در این مقاله با استفاده از داده های بررسی اقتصادی-اجتماعی خانوار مرکز آمار ایران که با همکاری مرکز تحقیقات علمی فرانسه جمع آوری شده است در قالب تحلیل داده های ثانویه^۳ اقدام به بررسی روش های تربیتی در استان های مختلف شده است. نتایج حاکی از وجود تفاوت معنادار بین اقوام، متغیرهای تحصیلات و گروه های مختلف اجتماعی در زمینه تربیت و جامعه پذیر کردن افراد است.

کلید واژه ها: الگوی تربیتی، اجتماعی شدن، جامعه پذیری، جوانان

^۱ دانشیار جامعه شناسی دانشگاه بوعلی naghdi@basu.ac.ir

^۲ دکتری جامعه شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد اشتهان a.roshanaei@yahoo.com

مقدمه

به اعتقاد برخی تربیت پذیری از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات عالم است که در اصطلاح جامعه شناسی به اجتماعی شدن یا جامعه پذیری^۴، در نزد انسان شناسان به فرهنگ پذیری^۵ یا فرهنگ آموزی^۶ و علمای تربیت به تربیت پذیری^۷ مشهور است. انسان موجودی اجتماعی است اگرچه موجودات دیگری هم هستند که بصورت گروهی و جمعی زندگی می کنند اما زیست اجتماعی انسان با سایر موجودات از جهات بسیاری متفاوت است، از جمله این تفاوت ها می توان به سه مورد زیر اشاره کرد: ۱- انسان می آموزد (در فرایند تربیت اجتماعی و از طریق ارتباط و آموزش دیدن)^۲- به آموخته هایش اضافه می کند (از طریق ارتباط و تعامل)^۳- آموخته هایش را به دیگران منتقل می کند (از طریق ارتباط و آموزش دادن).

خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی است که در جامعه پذیری و تربیت اجتماعی فرزندان نقش اساسی ایفا می کند. در باب اهمیت و ضرورت خانواده متفکران و اندیشمندان مباحث و موضوعات گوناگونی را مطرح نموده و هر کدام از زوایه ایی خاص به آن نگریده اند. خانواده در کنار سایر کارگزاران فرایند اجتماعی شدن مانند گروه همسالان، آموزش و پرورش و نیز وسایل ارتباط جمعی مسئول تربیت و آماده سازی اعضا جهت ورود و پذیرش نقش های اجتماعی است. مطالعه فرایند جامعه پذیری و تربیت از جمله دغدغه های متفکران در همه اعصار بویژه در جهان پیچیده امروزی بشمار می رود، جامعه ایران در حال حاضر دچار تغییرات اجتماعی در حوزه های گوناگون حیات خود شده و بخصوص مسائلی چون شکاف نسل ها و تغییر نگرش به زندگی اجتماعی و روابط درون خانواده که مستقیماً با موضوع مورد بحث این مقاله یعنی تربیت و جامعه پذیری مواجه است، آمل و آرزو های فرزندان با والدین تفاوت های اساسی پیدا کرده، نسل امروز والدین را فاقد درک درست از مسائل اجتماعی و نیاز های نسل جوان و در عوض پدران و مادران نیز جوانان را نسلی بی قید و فاقد درک مسئولیت اجتماعی می دانند. جوانان روش های تربیتی والدین را تاریخ مصرف گذشته بحساب می آورند، بطور خلاصه خانواده امروز ایرانی دچار تنش های اساسی بین والدین و فرزندان است و شیوه تربیت یکی از محل های اصلی این منازعه به حساب می آید و این مسئله ایی است که جوامع دیگر چند دهه پیش این بحران را پشت سر گذاشتند: در طول دهه ۱۹۲۰، نگرانی در مورد اعمال و نگرش های نسل جوان یاغی به اوج رسید. نگرانی جامعه (امریکائی) از این بابت تازگی نداشت، اما به شدت افزایش یافته بود و علت آن تاثیر سینما و رادیو (دو رسانه جدید) بر نسل جوان بود (پولارد، ۱۳۸۵: ۸): به اعتقاد برخی متفکران، تعلیم و تربیت یکی از ابزار های مهم کمک به بشریت برای برون رفت از بحران های اجتماعی جامعه معاصر است که برخی آنرا فضای خالی تربیتی یا بحران در تعلیم و تربیت عصر حاضر تعریف کرده اند (برزنیکا، ۱۳۷۱: ۱۳۶ و ۱۵۶) و یا به تعبیر جورج نلر: نافذترین ناپیوستگی هایی که کودکان جامعه صنعتی تجربه کرده- و تجربه می کنند- ناپیوستگی بین خانواده و جهان وسیع تر پیرامون آنهاست. (نلر، ۱۳۷۷: ۱۱۴) تعلیم و تربیت در جهان امروز یکی از امور مهم زندگی اجتماعی محسوب می شود و شناخت کم و کیف و تحولات آن به حل مسائل جوامع کمک خواهد کرد. درک صحیح و توصیف تعلیم و تربیت بر پایه مطالعات بین رشته ایی مبتنی بر چهار محور است: :: تعلیم و تربیت عبارت است از کمک برای رشد، انطباق با جامعه، هدایت

4 - Socialization

5 - Acculturation

6 - Enculturation

7 - Education

صحیح در زمینه فرهنگی و بالاخره بیدار کردن بشر برای درک رسالت و مفهوم زندگی خویش. (همان ماخذ: ۱۵۷) بین الگوهای تربیتی در جوامع گوناگون و حتی طبقات و گروه های اجتماعی در درون یک جامعه مشخص تفاوت وجود دارد: به اعتقاد امیل دورکیم هیچ الگوی تربیتی عالمگیری در جهان وجود ندارد: نه تنها (الگو) تربیتی که عالمگیر باشد وجود ندارد بلکه جامعه ای نیز که در آن نظام های تربیتی گوناگون وجود نداشته باشد و بطور موازی عمل نکند (نیز) وجود ندارد. (دورکیم ۱۳۷۶: ۸۶)

مطالعات تجربی فراوان بویژه در جوامع غربی نشانگر تفاوت الگوهای تربیتی و جامعه پذیر کردن در طبقات مختلف اجتماعی است: هر یک از مطالعات پیشین به وجود تفاوت های مربوط به طبقه اجتماعی در آماده سازی کودکان برای مدرسه اشاره دارد... مردم شناسان فرهنگی معاصر و روان شناسان اجتماعی مطالعاتی تطبیقی در باره طبقه اجتماعی و شخصیت انجام داده اند و معتقدند که تجربه های اولیه خاص کودک تاثیرات عمیقی بر رفتار بعدی او دارد (کریمی ۱۳۸۲: ۲۴ و ۲۵)

پرسش ها و فرضیه های پژوهش

سؤال کلیدی در این بررسی عبارت است از پاسخ به این پرسش است که الگوی غالب تربیتی (استبدادی، دموکراتیک یا بینابین) در نهاد خانواده در ایران امروز از دیدگاه جوانان چگونه است؟

محل سکونت چه تاثیری بر الگوی تربیتی دارد؟

روش های تربیتی بین دو جنس تفاوت معنی داری وجود دارد؟

آیا تفاوتی بین الگوهای تربیتی اقوام ایرانی وجود دارد؟

متغیر وضع سواد و مقطع تحصیلی، شغل چه تاثیری بر الگوی تربیتی دارد؟

آیا گروه های سنی از الگوهای تربیتی برداشت یکسانی دارند؟

مطالعه تربیت از دیر باز دغدغه متفکران و فلاسفه ای چون افلاطون، ارسطو، ابن سینا، فارابی، غزالی، خواجه نصیر، روسو، دورکیم، هربرت مید، اسپنسر و مارگارت مید... محسوب می شده است. از این رو پرداختن به نظام فرهنگ پذیری کودکان، از دوره های اولیه پیدایش علوم اجتماعی جدید همواره مورد توجه جامعه شناسان و مردم شناسان کلاسیک و نسل میانی بوده و متخصصان امروزی نیز از اهمیت و جایگاه مهم تربیت در تحول و تکامل جامعه بشری غافل نیستند، انسان شناسان نشان داده اند که طرز پرورش طفل در هر جامعه کلید فهم آن اجتماع و فرهنگ است. از حدود سال های ۱۹۳۰ به این سو، مردم شناسان کوشش هایی خاص در مطالعه طرز پرورش کودک در اجتماعات مختلف به کار بسته اند و منشاء بسیاری از مشخصات اجتماعی و فرهنگی رادر نحوه رفتار با کودکان جستجو کرده اند، تا جایی که امروزه هر محقق فرهنگ، از بررسی دوران کودکی و نحوه بار آوردن کودکان در جامعه آغاز می کند و نهادهای اجتماعی را انعکاسی از این تربیت و ناشی از آن می داند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۲).

با توجه به این که محیط خانواده نخستین جایی است که بعد از تولد بنای شخصیت کودک در آنجا شکل می پذیرد (Schaefer, 1989:90) و این امر در سرنوشت آتی او مؤثر می باشد: خانواده چارچوبی است که تعلیم و تربیت در فضای داخل آن جریان دارد و اگرچه مدرسه و رسانه ها هم در فرایند تعلیم و تربیت ایفای نقش می کنند ولی همچنان خانواده یکی از موثرترین عوامل اجتماعی کردن (تعلیم و تربیت) افراد است.:: خانواده عامل اولیه اجتماعی ساختن انسان است (موریش، ۱۳۷۳: ۱۶۹) اما باید توجه داشت که تحول این نهاد بخصوص در دهه های اخیر برخی مسائل

و مشکلات را بروز داده است. تجربه های زندگی سنتی از بین رفته است و شرایط و فرصت تجربه زندگی جمعی و اجتماعی برای افراد نسل های امروزی کم و کمتر شده است. برخی صاحب نظران عواملی که بر ایفای نقش و کارکرد تربیتی در خانواده های جدید تاثیر گذاشته و آنرا دچار مشکل نموده است را بشرح زیر خلاصه می کنند: الف- فضای زندگی تنگ و محدود ب- کاهش تعداد بچه ها پ- اشتغال به کار مادران در خارج از خانه ت- انزوا از اجتماع ت- بحران در زندگی زناشویی ث- بحران تربیت خانوادگی (حرفی و کلامی شدن تربیت تا عملی و عینی و مشارکت گروهی سنتی) ح- فقیر شدن دنیای کودکان (از دوست و همبازی گرفته تا محیط امن و آزاد خ- انتظار بیش از حد والدین ج- تربیت ایده ال منطبق بر آرزوهای والدین چ- تربیت در حد بی مرزی (توجه بیش از حد یا پر کردن خلاء یکی از والدین ر)- تربیت ضد و نقیض (نبود هماهنگی بین پدر و مادر در تعلیم و تربیت) (برزنیکا، ۱۳۷۱: ۹۰-۱۱۳)

چهارچوب نظری

در علوم مختلف و مکاتب گوناگون به موضوع تربیت با تفاوت دیدگاه نگریسته شده است: بلن تاین رهیافت های مطالعه تعلیم و تربیت در قالب کارکردی، تئوری تضاد، تئوری تعاملی و تفسیری و رهیافت های کسانی چون برنشتاین و بوردیو را سنتزی از رهیافت های کلان و خرد معرفی می کند (Ballantine, 2002: 14-15)

اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری توسط جاکانو^۸ (۱۹۶۹) لیس^۹ (۱۹۶۸) رید^{۱۰} (۱۹۶۸) ویلیام^{۱۱} (۱۹۶۹) هاوارد^{۱۲} (۱۹۷۰) پشکین^{۱۳} (۱۹۷۲) ولانسی^{۱۴} (۲۰۰۱) مطالعه شده است

در ایران نیز موضوع تربیت همواره مورد تاکید و توجه اندیشمندان از گذشته بوده است بویژه در خصوص نقش تربیتی نهاد خانواده اندیشمندان بسیاری دیدگاههای متنوعی مطرح کرده اند اما همگی به اثر تربیتی خانواده تاکید نموده اند، در اینجا از برخی متفکرین ایرانی بعنوان شاهد مثال یاد می کنیم:

ابن سینا در خصوص اصول تعلیم و تربیت بعنوان یکی از کارکرد های خانواده و نیز یکی از وظایف دولت بحث کرده است. ابن سینا کارهایی که رئیس حکومت دینی و کارکنانش انجام می دهند و شامل همه کارهای سیاسی، مالی و انتظامی می شود آورده که یکی از این وظایف کارکرد تربیتی است: برای تعلیم و تربیت دینی سازمانها بپا دارد و مردم را به آموختن وادار نماید. وی سپس بر وظایف والدین در خصوص سواد و مهارت آموزی و نام نیکو نهادن بحث کرده است

امام محمد غزالی وی که از فقهای مطرح زمان خویش بوده است می گوید: بدان که فرزند امانتست در دست پدر و مادر، دل وی پاک است چون جوهر نفیس، و نقش پذیر چون موم، و از همه نقشها خالیست، چون زمین پاک است که هر تخم اندر وی افکنی برآید، اگر تخم خیرافکنی به سعادت دین و دنیا رسد، و پدر و مادر و معلم اندر ثواب شریک باشند، و کودک را از آتش نگاهداشتن اولی تر که از آتش دوزخ نگاهدارند، و نگاه داشتن وی آن بود که وی را با ادب دارد و اخلاق نیکو به وی آموزد و از قرین بد نگاه دارد، که اصل همه فسادها از قرین بد خیزد و او را اندر تنعم و جامه نیکو آراستن خونکند که آنگاه از آن صبر نتوان کردن و همه عمر اندر طلعت آن ضایع کند، بلکه پاکی او اندر ابتدا جهد

⁸- Jacano

⁹-Leis

¹⁰-Read

¹¹-William

¹²-Howard

¹³-Peshkin

¹⁴-Lancy

کنند. او را دایه‌ای باید تا وی را شیر دهد به صلاح و نیکو و حلال‌خوار بود که خوی بد از دایه‌سرایت کند. و پدر که باید حشمت خود را نگاه دارد و هر روز یک ساعت او را از بازی باز ندارد تافرہیخته شود و دل‌تنگ نشود و بر کودکان فخر نکند و لاف نزند.(غزالی، ۱۳۱۹: ۱۳)

خواجه نصیرالدین طوسی: نمونه دیگر درباره خانواده و تربیت در کتاب اخلاق ناصری است: چون فرزند به وجود آمد، ابتدا تسمیه او باید کرد به نامی نیکو، که اگر نامی ناموافق بر او نهند مدت عمر از او ناخوشدل باشد. پس دایه‌ای باید اختیار کرد که احمق و معلول نباشد چه عادات بد و بیشتر علتها به شیر تعدی کند از دایه به فرزند. و چون ایام رضاع او تمام شود به تأدیب در ریاضت اخلاق او مشغول باید شد، پیش‌تر از آن که اخلاق تباه فراگیرد، چه کودک مستعد آن بود و به اخلاق ذمیمه بیشتر میل کند به سبب نقصان و حالتی که در طبیعت دارد و در تهذیب و تأدیب اخلاق او باید جهد کرد. هر قوت که جدیت او در بنیة کودک بیشتر شود تکمیل آن قوت مقدم باشد. اگر جمیلی از او صادر شد او را محمدمت گویند و اگر اندک قبیحی صادر شد به مذمت تخویف کنند.(خواجه نصیرطوسی، ۱۳۴۶: ۱۴)

فارابی در کتاب "تحصیل السعاده" در باب تعلیم و تربیت تعریفی بشرح زیر دارد: "تعلیم" عبارتست از ایجاد فضائل نظری در امت‌ها و جوامع بشری و "تادیب" عبارتست از راه ایجاد فضائل اخلاقی و صنعت‌های علمی در میان مردم. "تعلیم" با گفتار صرف حاصل آید. ولی "تادیب" با عادت دادن امت‌ها و افراد بشر به کارهایی که براساس ملکه علمی تحقق می‌یابند. بدین صورت که اراده آنان به سوی انجام آن کارها حرکت کند و ملکه‌های علمی و اعمال مترتب بر آنها بر نفوس مستولی گشته و مردم مانند عاشقان به امور مزبور مشتاق گردند. "خانواده اولین گروهی است که به آن تعلق داریم. از نظر وی خانواده سه وظیفه دارد:

۱. حفاظت

۲. تامین امنیت و عاطفه

۳. اجتماعی کردن

به دلیل ناتوانی کودک، مهمترین وظیفه والدین وظیفه دوم است و عدم ارضا و تامین این وظیفه سبب مشکلات زیادی در افراد خواهد شد. محققان غربی نیز به شکل گسترده در اثار و نظریه های خود موضوع تربیت یا جامعه پذیری را طرح نموده اند.

ژان ژاک روسو در کتاب امیل به مطالعه تربیت ایرانی (بعنوان الگویی متفاوت از آنچه در جامعه او رایج بود) پرداخت. امیل دورکیم در کتاب جامعه شناسی و تربیت به این مهم پرداخته بود که تربیت امری اجتماعی است و توارث و فردیت تاثیر شگرفی در آن ندارد، خانم مارگارت مید هم این پرسش اساسی را مطرح کرد که آیا تربیت به محیط اجتماعی افراد بستگی دارد یا به عوامل طبیعی مانند انتقال صفات و خصائص از والدین، وی بدنبال یافتن پاسخی بر دغدغه های فردای صنعتی شدن و فروپاشی الگوی های سنتی تربیت امریکائی بود و نشان می داد که تربیت در قبایل ساموا بسیار آسان گیر و در قبایل گینه بر عکس کاملاً سخت گیرانه بود: تاکید مید در مکتب فرهنگ و شخصیت بیش از هر چیز بر فرایند انتقال فرهنگی و اجتماعی شدن افراد بود(فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۰۶)

ژان ژاک روسو: وی سرشت بشر را همانند یک آینه تصور می کند که نقش پذیر و یا تربیت پذیر است وی به نقش تربیت اجتماعی اهمیت بسیاری قائل است(سخاوت، ۱۳۷۹: ۱۱) به نظر روسو تربیت را باید از زمان حال شروع

کرد، مدرسه مقدمه زندگی نیست بلکه تمرینی برای زندگی است. وی تربیت را یک فرایند باطنی به حساب می آورد و چهار مرحله در رشد عقیده دارد: مرحله فعالیت های جسمانی تا پنج سالگی، مرحله دوم تا ۱۲ سالگی که مربوط به حالت توحش بشر است، مرحله سوم ۱۲ تا ۱۵ سالگی دوره عقلانی بشر، که مرحله توانائی ارشیابی و داوری های انتقادی بشر است، مرحله تربیت اجتماعی از ۱۵ تا ۲۰ سالگی که علاقه های مذهبی غلبه دارد. (مایر، ۱۳۷۴: ۳۳۳)

وی مدام ندا می زند هر کس قبل از هر چیز باید بعنوان انسان تربیت شود و هدف تربیت روشنگری است: همیشه بخاطر داشته باشید که روح نظام من این است که به کودک خیلی چیز یاد ندهیم، بلکه فقط به اندیشه های درست و روشن اجازه دهیم که به ذهن او وارد شوند.....وقتی من کسی می بینم که در نتیجه عشق به دانش سرگردان است و از دانش فریبده ای به سوی دانش فریبنده دیگری می دود، بدون اینکه بداند مقصدش کجاست، به این فکر می افتم که با بچه ای روبه رو هستم که در کنار دریا به گردآوری صدف ها مشغول است. نخست او خود را با آنها گرانبار می کند، سپس صدف های دیگر دل از او می برند، اینها را به دور می ریزد و بازهم بیشتر گردآوری می کند. سرانجام در حالی که زیر بار خم شده است و نمی داند که کدام ها را برگزیند، همه را دور می افکند و دست خالی باز می گردد (مایر، همان: ۳۳۷ به نقل از روسو)

کانت: هدف تربیت در هر فرد پرورش هر گونه کمالی است که او آمادگی آن را دارا است. اصول فلسفه تربیتی میل بر یادگیری چند محور متمرکز بود: آمیختن تحصیل زبان های باستانی با نظام علمی آرمان میل بود. گذشته و طبیعت را بشناس اصول فلسفه تربیتی او بود (مایر: ۴۱۳)

دورکیم: تربیت عملی است که نسل های بزرگسال بر روی نسل های که هنوز برای زندگانی اجتماعی پخته نیستند و هدف آن این است که در کودک شماری از حالات جسمانی، عقلانی و اخلاقی بر انگیزد و پرورش دهد که جامعه سیاسی بر روی هم و نیز محیط ویژه ای که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می شود اقتضا می کنند (دورکیم ۱۳۷۶: ۴۸). تعلیم و تربیت را یک "امر اجتماعی" تعریف می کند: این جامعه به طور کلی، و هر یک از محیط های خاص اجتماعی است که کمال مطلوب آنچه را تعلیم و تربیت تحقق می بخشد، تعیین می کند. جامعه هنگامی خواهد توانست به حیات خود ادامه دهد که در بین اعضای آن همگونی کافی وجود داشته باشد، تعلیم و تربیت از ابتدا مشابهت های اساسی مورد نیاز زندگی جمعی را در کودک تثبیت می کند و موجب حفظ و تقویت این همگونی می شود. ولی از سوی دیگر هر گونه برکنار از نوع معینی از تنوع ناممکن است، تعلیم و تربیت به دلیل تنوع و تخصص خود دوام و بقای تنوع ضروری مذکور را تضمین می کند (مایر، ۱۳۷۴: ۲۱)

اسپنسر: رساله تربیت وی هم در امریکا و هم در انگلستان پر فروش ترین کتاب بوده به نظر وی تربیت مهیا کردن انسان است برای زندگی کامل. او معتقد است که: تربیت بیشتر یک کار عملی است تا نظری (مایر، ۱۳۷۴: ۴۱۴). تربیت را سازگار کردن انسان با محیط خود می داند. وی معتقد است که تعلیم و تربیت باید بر اساس علوم تجربی باشد و اداره زندگی در تربیت امری اساسی است و روی پای خود ایستادن اساس تربیت است.

اسپنسر معتقد است تربیت نیز مانند انسانیت باید سیر تکامل تاریخی خود را طی کند و با در نظر گرفتن اصل وراثت از عینی به تجربیدی پردازد و به منزله یک دوره آمادگی باشد که طفل را برای سوق به مرحله کمال بشری آماده می سازد. فلسفه تربیتی او بر مبنای مقام واقعی علم پی ریزی شده است. وی بر کاربرد علوم تجربی در تعلیم و تربیت بیش از

حد تکیه کرده است و اصول منفعت گرایی یا اصالت فایده را برای آموزش و پرورش در نظر گرفته یعنی تعلیم و تربیت را وسیله ای سودمند برای نفع فردی یا اجتماعی در خدمت مسائل علمی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی قرار داده است و بطور کلی تربیت باید برای زندگی سودمند باشد. اسپنسر هدف از تعلیم و تربیت این می داند که انسان را برای زندگانی کامل آماده کند و آماده کردن انسان برای زندگانی وظیفه ای است که تعلیم و تربیت باید آن را انجام دهد.

به نظر اسپنسر در تربیت خانواده مقدم بر دولت است: بار آوردن فرزندان پیش از دولت ممکن است و یا اگر دولت از بین برود، باز هم ممکن است... چنین نتیجه می شود که وظیفه والدین مستلزم دقت بیشتری است تا وظیفه شهروندان.. از آنجا که طبیعت شهروندان بیش از هر چیز دیگر بر اثر تربیت نخستین تغییر می کند، باید نتیجه بگیریم که رفاه خانواده زیر بنای رفاه جامعه است و بنابراین معلوماتی که با موضوع نخست ارتباط مستقیم دارند، بر معلوماتی که با موضوع دوم مربوط می شوند باید تقدم داشته باشند(مایر، ۴۱۷)

جان دیوئی: تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها به طوری که این تجربیات با توجه به امکانات تازه معنی بیشتری پیدا کنند و به فرد برای هدایت و تجربیات بعدی و پیش بینی نتایج آنها کمک نماید(شریعتمداری ۱۳۶۲: ۵۰) جان دیوئی در کتاب اصلی خود در باره تعلیم و تربیت به طور روشنی فرق بین تربیتی که هر کس فقط از طریق تماس و زندگی مشترک با دیگران کسب می کند و تربیت برنامه ریزی شده را مشخص می کند(برزینکا ۱۳۷۱: ۴۱)

ژرژ هربرت مید جامعه شناس معروف امریکایی معتقد است که کودک مراحل مختلف فرآیند اجتماعی شدن را از طریق کنش متقابل با کسانی که در خانواده با او زندگی می کنند و قضاوت هایشان برای کودک اهمیت اساسی دارد فرا می گیرد. وی در کتاب ذهن، خود و جامعه می گوید بین رشد فردیت (خود) که به زبان دیگر از آن میتوان به شخصیت تعبیر کرد با اجتماعی شدن رابطه بسیار قوی وجود دارد و مانند پارسونز این عقیده را که کودک شخصیت مادرزاد دارد مردود می داند... آشکار است که تعلیم و تربیتی که خانواده قبل از ورود کودک به نهاد های تربیتی برای او فراهم می آورد او را در ارضای نیازها و آزاد شدن از تنش های درونی مذکور کمک می کند. فرایند اجتماعی شدن و صاحب شخصیت شدن در خانه وسیله ای است که در طی آن کودک کم کم خودش را همچون فردی در بین دیگران و در عین حال در مقام کسی که با دیگران مناسباتی دارد می شناسد(موریش، ۱۳۷۳: ۱۷۵)

مید برای یادگیری و تکوین شخصیت سه مرحله قابل است: تقلید، بازی سازمان یافته و ایفای نقش ها در قالب بازی های دسته جمعی و سازمان یافته که در خانواده و بازی گروهی بیشتر تبلور پیدا می کند. وی خواست ها و محرک های فردی را که به طور طبیعی شروع به فعالیت می کند، تحت تاثیر تربیت اجتماعی به وسیله دو عامل بازتاب و نظر دیگران نسبت به خود فرد و نیز عقیده فرد نسبت به قضاوت دیگران به عمل می آید.

مید در باره اهمیت تربیتی محیط فرهنگی و اجتماعی معتقد است: گرفتن این پاسخ(انطباق با محیط) از طرف فرد شامل نوعی فرایند تربیتی است که وسایل ارتباط فرهنگی جامعه را به صورتی کم و بیش انتزاعی کسب می کند. تعلیم و تربیت بطور آشکار عبارت است از کسب مجموعه خاص سازمان یافته از پاسخ های فرد به محرک های خود (همان ماخذ: ۲۰۲) چارلز هورتن کولی: وی جریان پرورش اجتماعی فرد را متشکل از سه عامل ذهن، خود و نهاد می داند که از طریق کنش های اجتماعی و از طریق دیگران شکل می گیرد. کودک خود و هویت وجودی اش را در آینه کسانی که در خانواده،

رفتار و گفتار و داوری آنها را مهم می‌داند، می‌بیند. وی نهاد خانواده را مهمترین نهادی می‌داند که در ساختن و پرداختن تصویر کودک و پی‌ریزی ویژگی‌های فردی و اجتماعی او تأثیر اساسی دارد.

کودک در خانواده به هیچ‌وجه به خودش نیست، همه چیز را اقتباس می‌کند، آنچه را که مناسب سنش نیست تقلید می‌نماید و چون در اجرای قانون خارجی توفیق حاصل نمی‌کند به آسانی دستخوش خشم یا کمرویی و شرمندگی می‌شود، حالتی که در کودک نازپرورده به خوبی مشهود است. کودک از این عصبانیت و هیجان به جز به فعالیت‌های منظمی که در مدرسه با آن مواجه می‌شود رهایی نتواند یابد. (شاتو: ۲۵۸)

مانهایم: وی در کتاب انسان و جامعه می‌گوید: جامعه‌شناسان تعلیم و تربیت را صرفاً یک وسیله تحقق آرمان‌های انتزاعی فرهنگ نظیر انسانگرایی، یا تخصص‌گرایی فنی تلقی نمی‌کنند، بلکه آنرا بخشی از فرایند تأثیر گذاری بر مردان و زنان می‌دانند. تعلیم و تربیت را تنها، زمانی می‌توان فهمید که بدانیم شاگردان برای چه جامعه‌ای و برای کدام موقعیت اجتماعی تعلیم می‌بینند (مایر، ۱۳۷۴: ۲۲)

وی همچنین عقیده دارد که جامعه به طرق گوناگونی در ذهن افراد بازسازی و تأثیر گذاری می‌کند: الف- از طریق روش سازگاری هوشی خود فرد ب- از طریق تعلیم و تربیت آگاهانه به انضمام بازآموزی و آموزش تکمیلی پ- از طریق یادگیری ت- از طریق روانکاوی

به نظر مانهایم تعلیم و تربیت آگاهانه عبارت است از سازماندهی محرک به صورتی که "من مسئول" هر کس آشکار شود و او برای تمیز و تشخیص خوب از بد و عوامل سالم از داده‌های ناسالم صلاحیت پیدا کند بعلاوه من فرد باید از طریق تعلیم و تربیت در موقعیتی باشد که در ارزش‌های خود تجدید نظر کند و تدریجاً رفتار خود را بر طبق آن تغییر دهد. (موریش، ۱۳۷۳: ۲۰۶)

الیسون دیویس ۱۵ به بررسی تأثیرات طبقه اجتماعی بر یادگیری و رابطه فرهنگ طبقاتی و نظام عاطفی و توان‌های هوشی پرداخته و نشان می‌دهد که حتی دایره لغات با طبقه رابطه دارد. وی سه نوع پدیده را در ارتباط با آزمون‌های هوش مطرح می‌کند: پدیده‌های وراثتی، پدیده‌های فرهنگی و در نهایت پدیده سرعت (عمل) دیویس و هویگ هرست در تحقیقی تفاوت‌های طبقه اجتماعی و تفاوت پایگاه افراد در نحوه اجتماعی کردن پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های آنها طبقه پایین سهل‌گیر تر از سایرین در امور تربیتی هستند.

نتایج تحقیق مکابی ۱۶ و گیبز ۱۷ در امر نحوه تغذیه با تحقیق بالا یکسان بود اما در سختگیری برای آموزش آداب توالت، سختگیری کمتری در بازی‌های جنسی، محدود کردن بیشتری در پرخاشگری، تحمیل بیشتری در مورد توقعات، تنبیه بدنی بیشتر، محروم کردن از امتیازات، مسخره کردن به وسیله والدین در طبقات پایین در مقایسه با طبقات متوسط وجود داشت

بران فن برنر در ۱۹۸۵ نشان داد که تفاوت‌های طبقه اجتماعی در جامعه پذیر کردن از جمله در روش‌های تغذیه، از شیر گرفتن و توالت‌آموزی در مورد مادران طبقه پایین از ۱۹۳۰ تا پایان جنگ جهانی سهل‌گیر تر از طبقه متوسط بوده است.

¹⁵ Alison Davis

¹⁶ -Maccoby

¹⁷ -Gibbs

موردآک در مطالعه خانواده و خویشاوندی از لحاظ مقایسه فرهنگی برای خانواده چهار کارکرد عمومی در همه فرهنگ ها قائل می شود: نقش های اقتصادی، جنسیتی، نقش تولید مثل و نقش تربیتی (موریش، ۱۳۷۳: ۱۷۱)

یکی از وظایف خانواده، اجتماعی کردن کودک است. یعنی خانواده از طریق آموزش و پرورش کودک را با فرهنگ جامعه آشنا می سازد و او را برای همنوایی با جامعه آماده می سازد. خانواده در رشد شخصیت کودک سهم اساسی دارد. جنبه های ژرف و پنهانی شخصیت انسان ناشی از تعلیم و تربیت او در دوران کودکی است. از آنجائیکه نخستین سالهای زندگی انسان در خانواده می گذرد و در این دوران است که پایه اولیه شخصیت او گذاشته می شود می توان به اهمیت خانواده و تأثیری که در شخصیت فرد و پرورش قوای روحی و اخلاقی او دارد کاملاً پی برد. جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی از لحاظ تأثیری که خانواده در تکوین فردی دارد، مقام مهمی برای آن قائل هستند (وثوقی و همکاران، ۱۳۶۹: ۱۷۸).

بنابراین به اعتقاد برخی شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانه و مدرسه است این دو نهاد اجتماعی است که بزرگترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت کودکان بر عهده دارد. وقتی که رفتار معلمان و اولیای مدرسه و نیز رفتار پدر و مادر و اولیای خانواده با موازین تعلیم و تربیت و روان شناسی کودک و رشد و مطابقت نداشته باشد، سلامت روانی و اجتماعی کودکان به مخاطره می افتد (لطف آبادی، ۱۳۶۶: ۳۰)

بنابراین نهاد آموزش مکمل نهاد خانواده محسوب می گردد. یک بخش مهمی از اصول اولیه و اساسی و مسئولیت ها برای ایجاد نظم اجتماعی در مدرسه و نظام آموزشی محقق می شود از جمله ایجاد رابطه مثبت بین کودکان از یکسو و بین کودکان و والدین از سوی دیگر (Noffke, 1995: 115)

محققان با توجه به مجموعه مباحث و نظریه های مرتبط با الگوی تربیت از سه سبک تربیتی نام می برند: الف سبک استبدادی ب- سبک مشارکتی یا دموکراتیک ج- روش رها یا بی قید. در این تحقیق الگوهای تربیتی در یکی از این سه الگو مورد بحث قرار خواهد گرفت.

روش پژوهش

طرح و روش تحقیق این مقاله اسنادی مبتنی بر تحلیل ثانویه داده ها است. موضوع تربیت از دیر باز مورد توجه متخصصان علوم اجتماعی بوده است، گال و بورگ از سه نوع تحقیق ۱- توصیف موضوعات یا پدیده مربوط به تربیت، ۲- توصیف تفاوت بین چند الگو و نهایتاً ۳- توصیف روابط بین دو یا چند متغیر آموزشی و تربیتی (Gall & Borg, 2001, 39). بحث می کند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل داده های ثانویه^{۱۸} به بررسی الگوی تربیتی پدران از دید جوانان پرداخته ایم: داده هایی که جامعه شناسان به کار می برند، ممکن است "اولیه" یا "ثانویه" باشد باشند داده های اولیه را محقق به صورت دست اول و بیشتر از طریق بررسی، مصاحبه یا مشاهده مشارکت آمیز گردآوری می کند. داده های ثانوی از منابع دیگر و به صورت های گوناگون به دست می آیند، این داده ها پیش از آنکه جامعه شناسی تحقیق را آغاز کند، تولید شده و موجودند (ثلاثی، ۱۳۷۶: ۱۱۹). جامعه آماری (جمعیت مورد مطالعه) در این بررسی جامعه آماری یا (جمعیت مورد مطالعه) عبارت است از خانواده های ایرانی و حجم نمونه خانوارها با استناد به داده های جمع آوری شده از نتایج طرح بررسی اقتصادی- اجتماعی خانوار مرکز آمار ایران با همکاری مرکز تحقیقات علمی

فرانسه ۶۰۲۷ خانوار بوده است که در اینجا با استفاده از روش تحلیل داده های ثانویه یافته های مربوط به نگرش جوانان به نحوه تربیت پدران مورد تجزیه و تحلیل قرار داده ایم.

یافته ها و نتایج تحقیق

خانواده یکی از مهمترین نهاد های اجتماعی است که کارکرد اجتماعی کردن (فرهنگ پذیری) افراد و اعضا را در کنار سایر عوامل مانند نهاد آموزش و پرورش و.. بر عهده دارد. شناخت سهم و نقش خانواده و سایر عوامل موثر بر تربیت و فرهنگ پذیری و تحول و تغییر کارکرد هر یک عوامل جامعه پذیری یکی از مسائل و حوزه های مورد توجه متخصصان علوم اجتماعی بحساب می آید. بخشی از آنچه به شکاف نسلی^{۱۹} معروف است در این حوزه بازتاب پیدا می کند. یافته ها نشان می دهد که روش های تربیتی پدر از نگاه جوانان نشانگر تفاوت معنی داری به تفکیک استان هاست عبارت دیگر علیرغم وجود شباهت هایی در الگو های تربیتی و لی یکسانی روش وجود ندارد. برخی استان ها بیش از بقیه از روش های دموکراتیک یا برعکس استبدادی استفاده می کنند و این امر با توجه به تفاوت های فرهنگی - اجتماعی و سطوح توسعه متفاوت استان ها و نیز خرده فرهنگ های حاکم بر نقاط مختلف ایران قابل درک است.

جدول ۱: رابطه بین محل سکونت و رفتار پدر

محل سکونت		رفتار پدر از دید جوانان		درصد و تعداد کل	
		روش استبدادی	روش دموکراتیک	درصد	تعداد
شهری	۱۸/۶	۸۱/۴		۱۰۰	۲۳۲۸
روستائی	۹/۶	۹۰/۴		۱۰۰	۳۶۹۹
					۶۰۲۷

$$X^2=101/2 \quad sig=0/000 \quad phi=/130$$

یکی از مقایسه های مهم بررسی الگوی تربیتی در جوامع شهری و روستائی است در این خصوص یافته های این بررسی نشان می دهد که بین متغیر نوع الگوی تربیتی و متغیر های محل سکونت (شهر یا روستا) رابطه معنی داری وجود دارد و در نقاط روستائی بیشتر استبدادی ارزیابی شده است تا در نقاط شهری که با توجه به متغیر هایی چون سطح سواد و آگاهی و جایگاه پدر در نظام خانواده سنتی در جامعه روستائی کشور... قابل درک است.

جدول ۲: جنسیت و رفتار پدر

جنسیت		رفتار پدر از دید جوانان		درصد و تعداد کل	
		روش استبدادی	روش دموکراتیک	درصد	تعداد
پسر	13/2	86/7		100	۳۳۵۷
دختر	12/9	87/1		100	۲۶۷۰
					۶۰۲۷

$$sig=0/350 \quad phi=/005۱۸۱X^2=$$

¹⁹ -Generation Gap

بر خلاف تصور اولیه که انتظار می رود رفتار پدران با پسران سهل گیرانه تر از دختران باشد یافته های این بررسی نشان می دهد که بین متغیر نوع الگوی تربیتی و متغیر های جنس پاسخگو تفاوت معنی داری وجود ندارد

جدول ۳: قومیت و رفتار پدر

کل	رفتار پدر از دید جوانان		گروه قومی
	روش دموکراتیک	روش استبدادی	
۱۱۱	۸۸	۲۳	بلوچ
۴۰	۴۰	۰	ترکمن
۱۳۹۲	۱۲۷۵	۱۱۷	ترک
۱۹۷	۱۵۰	۴۷	عرب
۳۷۸	۳۲۰	۵۸	کرد
۱۸۳	۱۵۳	۳۰	گیلک
۶۰۹	۴۳۰	۱۷۹	لری
۲۴۲	۲۱۸	۲۴	مازندرانی
۲۸۷۳	۲۵۶۲	۳۱۱	فارس
۶۰۲۵	۵۲۳۶	۷۸۹	کل

$$X^2=219 \quad sig=0/000 \quad crammers \ v=$$

قومیت یک متغیر اثر گذار بر الگو های تربیتی در سرتاسر دنیا است، داده های بدست آمده نشان می دهد که بین متغیر نوع الگوی تربیتی و متغیر های قومیت رابطه معنی داری وجود دارد. البته ناگفته نماند که در این مورد داده های مربوط به هموطنان ترکمن به دلیل حجم نمونه بسیار کم (۴۰ نفر) که همگی نیز دموکراتیک ارزیابی شده است بر این تفاوت معنی دار اثر قابل توجهی گذاشته است.

جدول ۴:وضع سواد و رفتار پدر

کل	رفتار پدر از دید جوانان		وضع سواد
	روش استبدادی	روش دموکراتیک	
۵۸۹۶	۵۱۵۵	۷۴۱	با سواد
۱۳۱	۸۳	۴۸	بیسواد
۶۰۲۷	۵۲۳۸	۷۸۹	کل

$$X^2=65027 \quad sig=0/000 \quad phi=-/104$$

نگرش افراد به مسائل مختلف تابعی از میزان شناخت و آگاهی آنها (و البته عوامل دیگری) است و این امر خود تحت تاثیر میزان سواد افراد نیز می باشد داده های جدول بالا نشان می دهد که بین متغیر نوع الگوی تربیتی و متغیر های وضع سواد پاسخگو رابطه معنی داری وجود دارد پس از سنجش رابطه بین سواد و الگوی تربیتی به بررسی تاثیر میزان تحصیلات (مقطع تحصیلی و رفتار پدر) نیز بر الگوی تربیتی پرداختیم. یافته های این بررسی نشان می دهد که بین متغیر نوع الگوی تربیتی و متغیر های مقطع تحصیلی پاسخگو رابطه معنی داری وجود دارد. ($X^2=124.8$ sig=)

Cramer: $v=145/000$ بعبارت دیگر با افراد باسواد در مقایسه با بیسوادان و نیز با افزایش سطح سواد

روش تربیتی افراد به سمت دموکراتیک تر سوق پیدا می کند.

جدول ۵: گروه های سنی و رفتار پدر

کل	رفتار پدر از دید جوانان		گروه های سنی
	روش استبدادی	روش دموکراتیک	
۳۳۵۷	۳۱۷۶	۴۹۴	۱۵-۱۹
۲۶۷۰	۱۵۴۳	۲۱۵	۲۰-۲۴
۶۰۲۷	۵۲۳۸	۸۰	۲۵-۲۹
		۷۸۹	کل

$sig=0/444$

$cramer;s v=1,62X2=444$

همانگونه که داده های جدول فوق نشان می دهد بین متغیر نوع الگوی تربیتی و متغیر سن پاسخگویان رابطه معنی داری وجود ندارد بعبارت دیگر جوانان در گروه های سنی گوناگون الگوهای رفتار تربیتی پدران خود را مشابه ارزیابی کرده اند. در صورتیکه انتظار می رود با افزایش سن جوانان آزادی عمل بیشتری داشته باشند که این خود نیازمند اعمال روش های مشارکتی تر و غیر استبدادی تر از سوی والدین است .

بحث و نتیجه گیری

محققان در جوامع مختلف نشان داده اند که پرورش طفل در هر جامعه کلید فهم آن فرهنگ است. از حدود سال های ۱۹۳۰ به این سو، مردم شناسان کوشش هایی خاص در مطالعه طرز پرورش کودک در اجتماعات مختلف به کار بسته اند و منشاء بسیاری از مشخصات اجتماعی و فرهنگی را در نحوه رفتار با کودکان جستجو کردند، تا جائی که امروزه هر محقق فرهنگ، از بررسی دوران کودکی و نحوه بار آوردن کودکان در جامعه آغاز می کند و نهادهای اجتماعی را انعکاسی از این تربیت و ناشی از آن می داند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۲).

در این مقاله سعی شد تا به بررسی الگوی های تربیتی در خانواده ایرانی پرداخته شود. در گذشته، خانواده پدرسالاری صورت رایج نظام خانوادگی در ایران بود. حمایت پدری، فرزندان را نه فقط به هنگام خردسالی شامل می شد بلکه حتی پس از ازدواج، این حاکمیت عروس و نوادگان نیز شامل می شد. گذشته از مذهب و سنن مشترک و یا احترام مطلق به پدر خانواده گسترده را به هم می پیوست، خانواده واحد اقتصادی بود که زیر نظر مدیر خانواده یعنی پدر هدایت می شد و همگی با همیاری هم تولید می کردند و حاصل رنج خویش را مصرف می کردند. اوقات بیکاری را غالباً درون خانه با هم به سر می بردند. خانه هم کانون الفت زن و شوهری بود و هم کودکان را پرورش می داد. با وجود روابط صمیمی میان اعضای خانواده، تکیه نظم خانواده قدیم بر پدر و اعقاب ذکور او بود. به مادران و دختران او از حقوق و امتیاز سهمی کمتر می رسید. نام پدر نشان و عنوان خانواده می شد و منزل وی سکونتگاه خانوادگی را تشکیل می داد. بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فکری، خانواده دچار تغییراتی شد. جامعه به تدریج از الگوی جامعه کشاورزی به صنعتی تغییر یافت. بنابراین هم کارکردها و هم اقتدار خانواده، همراه با آن دگرگون شد. (شریفی ۱۳۸۴) نقش و کارکرد این نهاد مهم و موثر اجتماعی در زمینه های مختلف دچار تغییر و دگرگونی شد. از آن جمله تربیت و آماده کردن

فرد برای زندگی اجتماعی که در ادوار پیشین اغلب بوسیله نهاد خانواده(در معنای گسترده)انجام می شد به سایر نهاد ها یا سازمان ها و موسسات واگذار شد.

در این مقاله تنها به نتایج مربوط به ارزیابی الگو های تربیتی پدران از دیدگاه جوانان پرداخته شد و مشابه این تحلیل نیز در مورد نحوه رفتار مادران قابل انجام می باشد. یافته های این بررسی نشان می دهد که بین متغیر الگوی تربیتی پدر در استان های مختلف کشور تفاوت معنی داری وجود دارد ولی بین سن و جنس پاسخگویان و متغیر الگوی تربیتی پدر رابطه معنی داری وجود ندارد بعبارت دیگر جوانان در گروه های سنی گوناگون الگو های رفتار تربیتی پدران خود را مشابه ارزیابی کرده اند.همچنین بین دختران و پسران نیز از این حیث تفاوت معنی داری احساس نمی شود و این امر نشانگر تحول مهمی در نهاد خانواده ایرانی تلقی می گردد.

یکی از نکات مورد توجه این مقاله بررسی رابطه بین متغیر الگوی تربیتی و متغیر قومیت بوده است که نتایج نشانگر وجود رابطه معنی دار این دو متغیر است بعبارت دیگر اقوام مختلف ایرانی الگو های تربیتی متفاوتی بکار می گیرند برخی اقوام در تربیت سخت گیر تر از سایرین هستند.(البته داده در مورد ترکمن ها به دلیل اندک بودن حجم نمونه قابل تعمیم نیست)همچنین یافته های این بررسی نشان می دهد که بین متغیر نوع الگوی تربیتی و متغیر های محل سکونت (شهر یا روستا)رابطه معنی داری وجود دارد و در نقاط روستائی بیشتر جوانان رفتار پدران خود را استبدادی ارزیابی نموده اند تا در نقاط شهری که با توجه به متغیر هایی چون سطح سواد و آگاهی و...قابل درک است.بدون تغییر ارزیابی شدن نحوه رفتار پدران در سنین مختلف فرزندان یکی دیگر از یافته های مهم این بررسی است که نشانگر انعطاف ناپذیری رفتار پدران ایرانی است.

محدویت اصلی این مطالعه ثابت و ثانویه بودن داده هاست که از قبل جمع آوری شده بود و عملاً برخی متغیر هایی که محقق علاقمند بود در مدل تحلیلی وارد کند عملاً مقدور نبود.همچنین در برخی موارد مانند دموکراتیک بودن روش تربیتی در برخی اقوام مانند ترکمن ها(صدرصد) باید با احتیاط برخورد شود.همچنین میل داده ها به سمت روش دموکراتیک در جدول اقوام در کل کشور نیز محتمل است که به دلیل اشکالات روش شناختی یا تمایل پاسخگویان به تظاهر به رفتار های مدنی در خانواده خود باشد پیشنهاد اصلی این تحقیق نیز مطالعه مشابهی بر روی دیدگاه دختران راجع به الگوی تربیتی پدران در خانواده های ایرانی است تا شمای کلی برداشت جوانان دختر و پسر روشن و کامل شود.

منابع

۱. برزینکا، ولفگانگ (۱۳۷۱) نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز ترجمه مهر آفاق بایوردی، تهران. مرکز نشر دانشگاهی
۲. پولارد، مایکل (۱۳۸۵) مارگارت مید - آشتی دهنده فرهنگ های جهان، ترجمه محمد رضا افضلی، تهران، انتشارات فاطمی
۳. دورکیم امیل (۱۳۷۶) تربیت و جامعه شناسی ترجمه علیمحمد کاردان. دانشگاه تهران
۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش.
۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۳) روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات سمت
۶. شاتو، ژان (۱۳۷۶) مریان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، دانشگاه تهران
۷. شریعتمداری علی (۱۳۶۲) جامعه و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیر کبیر
۸. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۶۴) اخلاق ناصری. تنقیح و تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری چاپ سوم ۰ انتشارات خوارزمی
۹. کریمی، یوسف (۱۳۸۲) روان شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت. موسسه نشر ویرایش
۱۰. قائمی، علی (۱۳۷۰) زمینه تربیت، تهران، انتشارات امیری.
۱۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه های مردم شناسی، انتشارات نشر نی
۱۲. کریمی، یوسف (۱۳۸۲) روان شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت. موسسه نشر ویرایش
۱۳. مارشال کاترین و گرچن ب. راس من (۱۳۸۱) روش تحقیق کیفی ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی چاپ دوم دفتر پژوهش های فرهنگی
۱۴. موریش ایور (۱۳۷۷) درآمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت غلامعلی سرمد انتشارات دانشگاه تهران
۱۵. مک نیل، پاتریک (۱۹۹۴) روش های تحقیق در علوم اجتماعی محسن ثلاثی (۱۳۷۶) انتشارات آگه
۱۶. وحیدا، فریدون و محسن نیازی (۱۳۸۳) تاملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران شماره پیاپی ۲۳
۱۷. وثوقی، منصور و همکاران (۱۳۶۹). مبانی جامعه شناسی، تهران، انتشارات خردمند.
18. Ballantine, Jeanne (2001) the sociology of education, prentice hall.
19. Bong and Gall (2001) Education research, third edition, Longman.
20. Lancy, David (2001) Studying children and schools, wave land press.
21. Noffke, E. Susan and Robert. B. Stevenson (1995) Educational action research, Teacher collage press.
22. Schaefer, Richard T. (1989) Sociology, Second Edition, McGraw-hill
23. Wulf, Christopher (2004) Anthropology of education, Transaction publishers.

Title: Iranian men education patterns from point of youth view

Abstract:

The study of education in family as a basic social institution and its pattern and methods is one of main tools to understand of given cultures and societies traits. Education process and pattern can help to make and recognize of active or passive peoples. Men through his / her history try to transfer knowledge and heritage from past generation to present and future one. And this was been one of the most important reason of accumulation of human heritages. Significant of education and acculturation in recent societies is very important. Iran's is on passing period and scientific study of education and its changes and challenges will be support Wright planning in this case. Here I try to analysis of Iranian men education patterns from point of youth view base on second data that gathered by SCI and FSC. Findings of this paper show a significant relationship between ethnic, level of format education, social origin (urban/rural) and education pattern and socialization.

Key Word: education patterns, socialization, youth